

امام خمینی

منادی حفظ حرمت و مرتبت زن

□ سید محمد شفیع

دیدگاه حضرت امام خمینی را دربارهٔ زنان می‌توان در ضمن چند بخش مطرح کرد:

بخش اول: جلوه‌های توجه به مقام زن

۱- روز زن

انتخاب روز زن، نشان از توجه به اهمیت و حرمت زن در نظام جمهوری اسلامی است ولی انتخاب چنین روزی در میلاد صدیقۀ طاهره، گواه بر عظمت و ویژه روز زن در دیدگاه امام راحل می‌باشد. این انتخاب به نوبۀ خود، مشتی است بر دهان یاوه‌گویان که می‌گویند اسلام، حق زن را نادیده گرفته است.

فخر رازی در تفسیر کبیر در ذیل سوره فتح (اذا جاء نصر الله والفتح) می‌نویسد: در سال هشتم هجرت پیش از فتح مکه، ابوسفیان سراسیمه به مدینه آمد تا از راه گفتگو با رسول خدا(ص) زمینهٔ فتح مکه را خنثی کند. پیامبر(ص) وی را به حضور پذیرفت، دیدن سران صحابه هم در این باره سودی نبخشید. او به سراغ فاطمه(س) رفت، آن حضرت نیز پادرمیانی نکرد و آخر مأیوسانه به مکه بازگشت.^۱

پس از ارتحال خورشید نیز در راستای دفاع از تداوم خط نبوت و در جهت حمایت از امامت در عرصه سیاست، حضور فعال داشت که به قول ابن اثیر در کتاب النهایة مادة لمم: ابوبکر را استیضاح کرد (و خرجت فی لمة من نسائها تتوطیء زیلها علی ابی بکر فعاتبته) با هیئتی از زنان بنی هاشم از خانه بیرون آمد در حالی که دامن لباس (چادر) او حتی پاهای او را پوشیده بود و در مسجد ابوبکر را استیضاح کرد.

فاطمه (س) الگوی عبادت و پارسائی و عفاف و حجاب است و وقتی پیامبر اکرم (ص) این سؤال را مطرح نمود: ای النساء خیر؟ بهترین زن کیست؟ و تنها او بود که پاسخ داد: بهترین زن کسی است که نه به نامحرمی بنگرد و نه نامحرمی او را ببیند (یعنی با دید نامشروع نگاهی صورت نگیرد) در هنگام ضرورت در بین جمعیت انبوه مسجد پیامبر (ص) خطبه می خواند و متجاوزین به حریم امامت را محاکمه می کند.

فاطمه ای که خود مراد همه و مقتدای دیگران است در زندگی شخصی خود در راستای تحقق میثاق الهی امور خانوادگی، فرمانبردار شوهر است، هنگامی که پیامبر اکرم (ص) پرسید: «ای النساء خیر؟» بهترین زن کیست؟ فاطمه (س) پاسخ فرمود: خیر النساء من تسر اذا نظر و تطیع اذا امر و لاتخالفه فی نفسها و مالها.^۲ بهترین زن کسی است که همسر او وقتی که به او بنگرد، خوشحال گردد و اگر از او چیزی بخواهد، اطاعت کند و از حیث جان و مال خود در برابر خواسته های او مضایقه ننماید.

* * *

زندگی فاطمه (س) حقیقت وجود زندگی یک زن را تفسیر می کند محدوده حجاب، یک زن را می توان از حجاب آن بزرگ، بدست آورد. حجاب او نه مانع حضور او در عرصه های ضروری زندگی و اجتماعی است و نه باعث انزوا و جدایی او از دیگران است. حجاب او تفسیری از هویت یک زن اسلامی است. ابعاد زندگی فاطمه (س) گواه مشروعیت حضور زن در جامعه با حفظ حجاب و رعایت چارچوب های مربوطه است. زندگی سیاسی، فاطمه (س) و دخالت در امور



□ حضرت فاطمه سلام الله عليها الكوى عبادت، پارسايى و حجاب است

□ «اگر روزى بايد روز زن باشد، چه روزى والاتر و افتخارآمیزتر از روز ولادت با سعادت فاطمه زهرا سلام الله عليهاست، زنى که افتخار خاندان وحى [است] و چون خورشيدى بر تارک اسلام عزيز مى درخشد»

اجتماعى که به ذکر گوشه‌اى از آن پرداختيم به نوبه خود حضور زن در جامعه را تفسير مى کند. فاطمه (س) يگانه زنى است که شخصيتى همچون امام حسن عسکرى (ع) درباره آن حضرت فرمودند: نحن حجة الله على الخلق و [جدنا] فاطمة حجة علينا^۳ ما اسوه و حجت بر مردم هستيم ولى فاطمه (س) حجت و اسوه بر ما است. از اين رهنمود به دست مى آيد که بانوى بزرگ اسلام، فاطمه (س) فقط الكوى زنان نيست بلکه الكوى همگان از جمله امامان معصوم است. بر اين اساس در کلام منسوب به امام زمان (عج) آمده است «فى ابنة رسول الله لى اسوة حسنة»^۴ فاطمه (س) دختر پيامبر (ص) اسوة من است.

امام راحل (ع) در خطاب خود به زنان، در روز زن فرمود:
«فردا روز زن است، روز زنى است که عالم به او افتخار دارد. روز زنى است که دخترش در مقابل حکومتهاى جبار ايستاد و آن خطبه را خواند و آن حرفها را زد که همه مى دانيد.»^۵
«اگر روزى بايد روز زن باشد، چه روزى والاتر و افتخارآمیزتر از روز ولادت با سعادت فاطمه زهرا - سلام الله عليهاست، زنى که افتخار خاندان وحى [است] و چون خورشيدى بر تارک اسلام عزيز مى درخشد.»^۶

«روز بزرگى است، يك زن در دنيا آمد که مقابل همه مردان است. يك زن به دنيا آمد که نمونه انسان است، يك زن به دنيا آمد که تمام هويت انساني در او جلوه گر است.»
«مبارک باد بر ملت عظيم الشان ايران بويژه زنان بزرگوار روز مبارك زن؛ روز شرافت

عنصر تابناکی که زیربنای فضیلت‌های انسانی و ارزشهای والای خلیفه‌الله در جهان است.»

آن حضرت در بیان دیگر فرمودند:

«و مبارکتر و پربه‌تر انتخاب بسیار والای روز بیستم جمادی‌الثانی است، روز پرافتخار

ولادت زنی که از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است.»^۷

«من عید سعید مولود معظم حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - را به همه شما خانم‌ها و زنهای

تمام کشورهای اسلامی تبریک عرض می‌کنم و از خداوند تعالی مسئلت دارم که همه زنهای

محترمه را در راهی که خدای تبارک و تعالی مقرر فرموده است، همان راه را بروند و به مقاصد

عالیه اسلامی برسند. برای زنها کمال افتخار است که روز تولد حضرت صدیقه را روز زن قرار

داده‌اند، افتخار است.»^۸

همچنین آن حضرت در عظمت فاطمه (س) فرمودند: در روایات معراج، جبرئیل عرض

می‌کند: «لو دنوت انملة لأحترقت»^۹. هرگاه کمی نزدیک‌تر می‌شدم، سوخته بودم. با این فرمایش

که «ان لنا مع الله حالات لایسعه ملک مقرب و لانی مرسل»^{۱۰}. ما با خدا حالاتی داریم که نه فرشته

مقرب آن را می‌تواند داشته باشد و نه پیامبر مرسل. این، جزء اصول مذهب ما است که ائمه

علیهم‌السلام چنین مقاماتی دارند قبل از آنکه موضوع حکومت در میان باشد. چنانکه به حسب

روایات، این مقامات معنوی برای حضرت زهرا سلام‌الله علیها هم هست با اینکه آن حضرت نه

حاکم است و نه قاضی و نه خلیفه. این مقامات سوای وظیفه حکومت است. لذا می‌گوییم حضرت

زهرا علیها سلام قاضی و خلیفه نیست لازمه‌اش این نیست که مثل من و شما است یا بر ما برتری

معنوی ندارد.

۲- کرامت وجودی زن

زن در نگرش اسلامی با مرد برابر است و این برابری در مسائل اصولی و امور اساسی است

که در جلوه‌های مختلف مورد توجه می‌باشد از جمله:

الف - در عرصه کمالات و دستیابی به مقامات معنوی و انسانی (طلب العلم فریضة علی کل

مسلم و مسلمة).



ب - در عرصه بندگی و تعبد و مخاطب پروردگار متعال بودن.

ج - در عرصه تقرب و دستیابی به مقام قرب الهی.

د - در عرصه قدم نهادن به درجات سرای جاویدان. آری در برخی از مسائل احکام زن و مرد متفاوت است که بر اساس نوع آفرینش و جایگاه زن در نظام احسن می‌باشد، آری: احکام اسلام نسبت به انسان‌ها چند دسته‌اند، دسته‌ای از احکام اسلامی به جنبه انسانیت بشر توجه دارند. در این مرحله خصوصیات وجودی انسان، موجب تفاوت در احکام نیست ولی دسته‌ای از احکام اسلام مربوط به انسان با توجه به خصوصیات فردی از جمله جنسیت آنها است. در این مرحله مرد حکمی دارد و زن حکمی دیگر، حتی انسان عالم حکمی دارد و انسان جاهل حکمی دیگر. انسان توانمند مالی، حکمی دارد و انسان فقیر، حکمی دیگر.

اسلام در برخی از موارد خصوصیات فردی را لحاظ نمی‌کند و در برخی موارد لحاظ می‌کند.

در مکتب امام خمینی که برخاسته از فرهنگ حیات‌بخش اسلام است، زن در اوج والائی قرار دارد. آن حضرت خاطر نشان می‌کرد: «اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آنقدری که اسلام به زن خدمت کرده، خدا می‌داند به مرد خدمت نکرده. آنقدر که به زن خدمت کرده. شما نمی‌دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده.»^{۱۱} در زمانی که پیامبر اسلام آمد، زن‌ها را هیچ حساب می‌کردند. اسلام زن‌ها را قدرت داده است. آن حضرت می‌فرمود:

«ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد... زن باید در سرنوشت خودش

دخالت داشته باشد.»^{۱۲}

امام همواره هشدار می‌داد:

«اگر زن‌های انسان‌ساز از ملتها گرفته بشود، ملتها به شکست و انحطاط مبدل خواهند

شد.»^{۱۳}

۳- اثر برتر وجود زن

زن در جامعه، اثر وجودی ویژه‌ای دارد که از مرد ساخته نیست. تردیدی نیست که در نظام احسن آفرینش وجود زن همچون وجود مرد ضروری است. وجود هیچکدام زائد نیست و به عبارت دیگر، زن نیمی از پیکر جامعه است. آیا می‌توان او را دست کم گرفت. گرچه در مکاتب شرقی و غربی به بهانه حمایت از زن، زن را از حقوق واقعی او محروم کرده‌اند چنانکه در نظام جاهلی به نام مردسالاری حقوق زن را نادیده می‌انگاشتند. آری این نوع موضعگیری‌ها دلیل بر ضعیف معرفت نسبت به حقیقت وجودی زن است. انسان‌شناسی اسلامی می‌گوید زن نه تنها از حیث ضرورت وجود او در نظام احسن با مرد، مساوی است بلکه در برخی از عرصه‌ها کارهایی از زن ساخته است که از مرد کمتر ساخته است.

الف) زن مربی انسان و مبدأ سعادت است:

زن دارای یکی از خصال پروردگار متعال است، زن مربی است چنانکه مربی برتر عبارت است از پروردگار حکیم.

امام می‌فرمود:

«زن انسان است. آن هم یک انسان بزرگ، زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند... سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد.»^{۱۴}

ب) زن، مادر است:

در میان کارها عمل مادر بودن و انسان‌پروری هم‌تایی ندارد.

امام به جنبه مادر بودن زن و اهمیت آن توجه داده می‌فرمود:

«مادرها مبدأ خیراتند و اگر خدای نخواست مادر می‌باشد که بچه را بد تربیت کند مبدأ

شروند.»^{۱۵}

ج) زن مایه ارتقاء روح است:

زن یکی از عوامل مؤثر اوج روح بشر است به قول حضرت امام:

«زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است.»^{۱۶}

«زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند... اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحل خواهند شد.»^{۱۷}

۴- پیشگیری از ملعبه واقع شدن زن

حفظ حرمت زن به گونه‌ای شایسته از هیچ مکتبی جز اسلام به ویژه تشیع ساخته نیست زیرا این مسأله فرع بر شناخت و آگاهی از ابعاد مختلف وجودی او است و این کار هم جز از وحی الهی و مکتب انبیا ساخته نیست. اسلام آخرین دین خدا است و اسلام است که حرمت زن را مورد حراست کامل دارد زیرا زن با توجه به ندای آسمانی «ولقد کرمنا بنی آدم» همچون مرد، دارای شخصیت ویژه است و نباید بازیچه دست این و آن و مایه سرگرمی هوسبازان قرار گیرد.

امام می‌فرمود:

«مقام زن مقام والاست، عالی‌رتبه هستند. بانوان در اسلام بلندپایه هستند»^{۱۸}.

«ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد، نه ملعبه باشد، نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست ارذل باشد.»^{۱۹}

«اسلام زن را مثل مرد در همه شئون - در همه شئون - همان‌طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد، همان‌طوری که مرد باید از فساد اجتناب کند... زن‌ها نباید ملعبه دست جوان‌های هرزه بشوند، زن‌ها نباید مقام خودشان را منحل کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بیایند و در انظار مردم فاسد قرار بگیرند. زن‌ها باید انسان باشند، زن‌ها باید تقوا داشته باشند، زن‌ها مقام کرامت دارند، زن‌ها اختیار دارند، همان‌طوری که مردها اختیار دارند. خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است.»^{۲۰}

«اسلام نظر خاص بر شما بانوان دارد، اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره‌العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند، اسلام آنها را سربلند و سرفراز کرد، اسلام آنها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد.»^{۲۱}

آری، عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیش از آن درجه‌ای است که بر مردان دارد و این مسأله به خاطر اهمیت نقش و تأثیر آنان در جامعه است لذا اسلام، تلاش دارد که نسبت به زنان، تعلیم و تربیت لازم بعمل آید تا اجتماع بشری، به نحو بایسته‌ای از آنان سودمند گردد. بر این اساس در حدیثی از رسول خدا(ص) می‌خوانیم: اضرَبوا النساء علی تعلیم الخیر^{۲۲} زنان را به فراگیری شایستگی‌ها (علوم و فنون و مهارت) وادار کنید.

۵- حقوق زن

یکی از شعارهای فریبنده، که در افق فکری اومانیسم خودنمایی بیشتری دارد مسأله حقوق زن و حمایت از آن است حمایت از زن اگر بطور جدی و بدور از فریب‌کاری صورت گیرد، ارجمند است زیرا در مکتب دین به ویژه اسلام، جایگاه خاصی دارد ولی متأسفانه آنچه در مجامع بیرون از دین می‌گذرد چیزی دیگر است و باید گفت که: زن‌گرایی افراطی، باعث تضییع حقوق اساسی زن است. زن‌گرایان به بهانه احیای حقوق زن از هویت و ارزش زن کاستند. بدیهی است که زن‌گرایی هدایت نشده جز این، نتیجه‌ای ندارد. گرچه این تفکر (زن‌گرایی) عکس‌العمل طبیعی نادیده گرفته شدن زن و حقوق او، در تاریخ است. ولی چاره درد را نباید در فمینیسم جویا شد آری: در ادوار مختلف (جز در میان پیروان راستین انبیاء) به زن، ستم رفته است. البته تفکر زن‌گرایی ریشه در اومانیسم دارد و دارای سابقه تاریخی نیست.

اندیشه برابری زن و مرد به قرن هفدهم بازمی‌گردد. حرکتی که از قرن هفدهم میلادی به نام حقوق فطری و طبیعی بشر آغاز شد و قرن هجدهم در فرانسه به ثمر نشست. قابل توجه است که بنیان‌گذاران حقوق بشر زنان را به دیده تحقیر می‌نگریستند چنانکه «مونتسکیو» نویسنده شهیر فرانسوی و از بنیان‌گذاران انقلاب کبیر فرانسه در کتاب روح‌القوانین (۱۷۴۸) زنان را موجوداتی با روح‌های کوچک و دارای ضعف دماغی، متکبر و خودخواه معرفی می‌کند. در اعلامیه حقوق بشر هم که در سال ۱۷۸۹ در فرانسه به تصویب رسید، از برابری حقوق زن و مرد سخنی به میان نیامده است و در حقیقت باید آن را اعلامیه حقوق مردان دانست.



□ زن در جامعه، اثر وجودی ویژه‌ای دارد که از مرد ساخته نیست

□ «زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش‌ده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است»

نهضت زنان، در معنای دقیق آن، در قرن نوزدهم در فرانسه گسترش یافت و نام فرانسوی فمینیسم (Feminism) به خود گرفت. جنبش فمینیستی در واقع نوعی اعتراض به مردسالاری آشکار حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه بود.^{۲۳}

دستیابی به حق رأی برای زنان انگلیس در سال ۱۹۱۸ یکی از جلوه‌های پیروزی فمینیسم بود و پس از آن فروکش کرد. برخی، دو دهه اول قرن بیستم را سال‌های خیزش موج اول فمینیسم می‌نامند.

پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۵، نظریه برابری زن و مرد طرفداران بسیاری یافت و سرانجام برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر که از طرف سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ میلادی منتشر شد، تساوی حقوق زن و مرد به صراحت و در سطح جامعه ملل مطرح گردید. با این حال، اعلامیه حقوق بشر که بر حقوق طبیعی و فطری تأکید می‌کرد، فاقد اعتبار حقوقی و ضمانت اجرایی بود. این امر موجب شد که از آن پس، معاهدات بین‌المللی که از اعتبار حقوقی بیشتری برخوردارند و به طور مشخص‌تر به مسائل زنان توجه دارند، در دستور کار سازمان ملل قرار گیرند. از جمله این معاهدات می‌توان به کنوانسیون «حقوق سیاسی زنان» (۱۹۵۲)، کنوانسیون «رضایت برای ازدواج» (۱۹۶۲) و کنوانسیون «محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» (۱۹۷۹) اشاره کرد.

همچنین سازمان ملل سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ را به عنوان دههٔ زنان نامگذاری کرد. در دههٔ هفتاد یک زن فمینیست به جهت تیپ ظاهری خود، از جمله موهای کوتاه مردانه، کفش بدون پاشنه، کت و شلوار زمخت و چهره بدون آرایش، به راحتی از دیگران تشخیص داده می‌شد. در این دهه فمینیست‌ها با ردّ کلیت ازدواج و تأکید بر مجرد و حرفه اقتصادی، آرمان‌های خود را مطرح می‌کردند. شعار «زنان بدون مردان و یا رفتارهای مردانه» مربوط به همین دوره است. پس از آن حرکت‌های فمینیستی تند، رو به تعدیل گذاشت و آثار سوء افراط در حرکت‌های زن‌مدارانه، که بیش از همه دامان خود زنان را می‌گرفت، آشکار گردید. خشونت روزافزون در محیط خانواده و در محیط کار و عدم امنیت جنسی از دست‌آوردهای این دوره بود. پس از آن، جهان غرب به نقش‌های سنتی و نهاد خانواده رویکردی دوباره داشته است. دانیل لژه و برنزان هارویو در بررسی اجتماع مشاهده کردند که نمادگرایی شکل قدیمی‌تر خانواده و نوعی آرمان‌گرایی چالش جو مجدداً بر صحنه ظاهر شده‌اند. مردم برای خود پدربزرگ و مادربزرگ ابداع کرده‌اند تا خانواده‌ها بتوانند سه نسل را در بر بگیرند، وضعیتی که احتمالاً هیچ‌گاه در گذشته وجود نداشته است. تقسیم سنتی نقش‌ها به سرعت بازمی‌گردد و اقتدار پدرسالارانه نیرومندتر می‌شود.

سازمان ملل متحد هم سال ۱۹۹۴ را به عنوان سال خانواده اعلام کرد. و از آن پس زنان مدرن در دهه‌های اخیر سعی می‌کنند با ظاهری زنانه و رفتاری ظریف تمایز خود را از مردان به نمایش بگذارند.

حقوق زن، یکی از عناوین امیدزا است عنوان حقوق زن در برابر تضييع حقوق او در دوران جاهليت و در جهان توحش و بيگانه از مکاتب انبياء قرار دارد بر اين اساس اميدبخش و احساس برانگيز است هر چند از هنگامي که اين عنوان در سطح بين الملل مطرح شد یکی از ابزارهای دست استکبار جهانی از آب در آمده، وسیله‌ای برای بهره‌کشی نوین از زن گشته است ولی مطلب حائز اهمیت آن است که اسلام بدون جار و جنجالهای سیاسی و بدور از هرگونه

ظاهر فریبی‌ها حقوق زن را احیاء کرده و بدان اهمیت ویژه داده است که متأسفانه عمداً یا غفلتاً مورد بی‌توجهی جهان غرب و نیز جهان شرق می‌باشد.

امام راحل در باب حقوق زن این چنین رهنمود داده‌اند:

«طلاق در صورتی که... در ضمن عقد با مرد وقتی که می‌خواهند عقد کنند شرط بکنند و در ضمن عقد این شرط بشود»^{۲۵}

چه در اسلام اگر شرط ضمن عقد هم در کار نباشد در موارد لازم ولی فقیه حق دارد از حقوق زن دفاع کند و وی را طلاق دهد. لذا حضرت امام در اینجا از ولایت فقیه سخن به میان آورد:

«این ولایت فقیه را اینها مخالفت می‌کنند در صورتی که نمی‌دانند از شئون فقیه هست که چنانچه یک مردی با زن خودش رفتارش بد و ناسالم باشد او را اولاً نصیحت کند و ثانیاً تأدیب کند و اگر دید نمی‌شود اجرای طلاق کند. شما موافقت کنید با این ولایت فقیه. ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه‌ای است که خدای تبارک و تعالی داده است. منجمله همین معنایی که شما سؤال کردید و طرح کردید که خوب، زن‌هایی که الان شوهر دارند، چنانچه رفتاری‌هایی داشته باشند چه باید بکنند؟ آنها رجوع می‌کنند. به آنجایی که فقیه هست، مجلسی که در آن فقیه هست، به دادگاهی که در آن فقیه هست و فقیه رسیدگی می‌کند. چنانچه صحیح باشد، شوهر را تأدیب می‌کند، شوهر را وادار می‌کند به اینکه درست عمل کند و چنانچه نکرد طلاق می‌دهد. ولایت دارد برای این امر، اگر دیدید... یک زندگی به فساد کشیده می‌شود طلاق می‌دهد و طلاق اگر چه در دست مرد است، می‌تواند لکن فقیه در جایی که مصلحت اسلام را دید، مصلحت مسلمین را دید و در جایی که دید نمی‌شود به غیر از این، طلاق بدهد. این ولایت فقیه هست. ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است.»^{۲۶}

حضرت امام در ادامه سخنان فوق خاطر نشان فرمودند:

«اسلام زنها را در مقابل مردها قرار داده، نسبت با آنها تساوی دارند. البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است، یک احکام خاص به زن است، مناسب با زن است. این، نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است.»^{۲۷}

۶- حق تعیین سرنوشت

مسأله تعیین سرنوشت با مسأله قضا و قدر و مسأله جبر و اختیار و مسأله توحید افعالی ارتباط تنگاتنگ دارد در واقع برخی از مسائل کلامی و عقیدتی در جامعه و زندگی روزمره آدمی خود را بیشتر نشان می‌دهد و از آن جمله است حق تعیین سرنوشت و قابل ذکر است که هویت این مسأله یک مسأله کلامی است که اگر بگونه‌ای لازم حل و هضم نشود به شکل یک شبهه در ذهن آدمی جای خود را حفظ می‌کند لکن در جامعه‌شناسی و نیز روان‌شناسی و در برخی دیگر از علوم مسأله حق تعیین سرنوشت به حقوق اجتماعی اختصاص یافته است.

امام می‌فرمود:

«زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، لکن در مرد هم مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل اینکه مفسده می‌آفریند، حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد. اسلام خواسته است که زن ملعبه دست مرد نباشد. اینکه در خارج منعکس کرده‌اند که در اسلام با زن‌ها با خشونت رفتار می‌شود، امر غیرصحیحی است و تبلیغات باطلی است که از مغرضین حاصل شده و الا مرد و زن هر دویشان در اسلام اختیارات دارند، اگر اختلافاتی هست، برای هر دو هست و آن مربوط به طبیعت آنان است.»^{۲۸}

امام همواره تأکید داشت که برخی از محدودیت‌های حیات‌بخش که اسلام برای زن منظور داشته است، محدودیت‌های تکامل‌آفرین است نه ظالمانه و غیرعقلایی؛ قوانین اسلام همه به صلاح زن و مرد است.^{۲۹}

همانطوری که حقوق مردها در اسلام مطرح است، حقوق زن‌ها (مطرح است)، اسلام به زن‌ها بیشتر عنایت کرده است تا به مردها.

امام در ادامه سخن فوق‌اشاره‌ای به برخی از محدودیت‌های حکیمانه اسلام در زندگی زن و مردم کرده می‌فرماید:

«البته در شرف برای مردها یک محدودیت‌هایی هست که آن محدودیت‌ها به صلاح خود مردها هست و آن محدودیت‌ها، یعنی در آنجاهایی که مفسده هست برای مرد، از قماربازی



جلوگیری می‌کند اسلام، از شرابخواری جلوگیری می‌کند اسلام، از هروئین جلوگیری می‌کند اسلام، برای اینکه مفسده دارند.

برای همه یک محدودیت‌هایی هست و محدودیت‌هایی شرعی و الهی، محدودیت‌هایی است که به صلاح خود جامعه است، نه این است که برای جامعه یک چیزی مثلاً نافع بوده است که محدودیت برایش ایجاد کرده‌اند.^{۳۰}

«در قانون هم همه اقشار حقوقشان ملاحظه شده است و اقلیت‌های مذهبی، نسوان، دیگر اقشار - همه - حقوقشان ملاحظه شده است و هیچ فرقی ما بین گروه و گروهی در اسلام نیست فقط به تقوا.»^{۳۱}

«زن‌هایی که می‌خواهند ازدواج کنند، از همان اول می‌توانند اختیاراتی برای خودشان قرار بدهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان، می‌توانند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاق داشت، اگر بد زندگی کرد با زن، اگر بدخلقی کرد با زن، وکیل باشند در طلاق. اسلام برای آنها حق قرار داده است، اسلام اگر محدودیتی برای مردان و زنان قائل شده است همه به صلاح خودتان بوده است. تمام قوانین اسلام، چه آنهایی که توسعه می‌دهد، چه آنهایی که تحدید می‌کند، همه بر صلاح خود شماست، برای خود شماست. همانطوری که حق طلاق را با مرد قرار داده است حق این را قرار داده است که شما در وقت ازدواج شرط کنید با او که اگر چه کردی یا چه کردی، من وکیل باشم در طلاق. و اگر این شرط را کرد دیگر نمی‌تواند او را معزول کند... اگر مردی با زن خودش بد رفتاری کرد، در حکومت اسلام او را منع می‌کنند، اگر قبول نکرد تعزیر می‌کنند، حد می‌زنند و [باز] اگر قبول نکرد مجتهد طلاق می‌دهد.»^{۳۲}

«خداوند همانطوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود این که فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زن‌ها هم دارد، همه برای صلاح شماست، همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است.»^{۳۳}

امام در مصاحبه‌ای که سؤال شده بود مشخصاً حقوق زنان در جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ تکلیف مدارس مختلط چه می‌شود؟ مسأله تنظیم توالد و تناسل و سقط جنین چگونه خواهد شد؟ پاسخ فرمودند:

«از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بلکه در بعضی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد. مسائلی که منافات با حیثیت و شرافت زن ندارد آزاد است. سقط جنین از نظر اسلام حرام است.»^{۳۴}

امام زن را در بسیاری از امور مهم مملکتی در ردیف مردان می‌داند، آن حضرت می‌فرمود:
«امروز ما می‌بینیم که بانوان محترم ایران در سرتاسر کشور یک عضو مفید و یک جمعیت
متعهد معتقد هستند که به کشور خودشان خدمت می‌کنند و پشتوانه هستند از برای این کشور، و
من امیدوارم که تمام جهات اسلامی را در نظر بگیرند و با اسلحه ایمان و تعهد به اسلام این
پیروزی را به پیش ببرند و پشتوانه این انقلاب باشند.»^{۳۵}
امام همچنین خاطر نشان کردند:

«...به زن و مرد سفارش می‌کنم که هرکس به حد قانونی رسیده است، در این مجلس، در این
انتخاب شرکت کند و افرادی که پیشنهاد می‌شود و انتخاب شده است یعنی پیشنهاد شده است، هر
یک را که خواستند، به او رأی بدهند.»^{۳۶}
امام به زنان فرمودند:

«...آنقدری که اسلام خدمت به شما کرد، به مردها آنقدر خدمت نکرد. اسلام، شما را حفظ
کرد و شما متقابلاً اسلام را حفظ بکنید... همانطوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و
جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند... البته با حفظ آن
چیزی که اسلام فرموده است، که بحمدالله امروز در ایران جاری است.»^{۳۷}

* * *

در منطقه سبع مساجد، در مدینه، منطقه‌ای که جنگ احزاب (جنگ خندق معروف) در آن
واقع شده است. در کنار مسجد علی (ع)، مسجد فاطمه (س) بچشم می‌خورد و تاریخ نشان می‌دهد
این مساجد، در اصل، جایگاه عبادت سنگرداران جنگ خندق بود.
بنابراین، حضور زن در صحنه اجتماعی، سیاسی در محدوده مجوزهای اسلامی، مورد
نکوهش رسول خدا (ص) نبوده است و فقط از حضور غیرمجاز یعنی از حضوری که تحریکات و
تمایلات نفسانی دیگران را در پی دارد، نهی به عمل آمده است.
پس از احداث مسجد النبی (ص)، گاهی مردان در داخل به امامت پیامبر (ص) و زنان در
خارج آن به امامت یکی از صحابه، نماز جماعت را بپا می‌نمودند.

عبدالله بن عمر نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود: لا تمنعوا نساءکم المساجد و بیوتهن

خیر لهن.^{۳۸} گاهی همگان، پشت سر آن حضرت^{۳۹} نماز برپا می داشتند پیامبر اکرم زنی را به عنوان پیشنماز زنان در یکی از مساجد مدینه معرفی کرده بود و زنان مدینه به او اقتدا می کردند.

و نیز (عبدالله عمر) می گوید: رسول خدا(ص) در باب [ولا یبیدن زیتهن الا لبعولتهن فرمود: لا خلخال: ولا شنف و لا قرط و لا قلاده الا ما ظهر منها قال: الثیاب^{۴۰}] فرمود: زنان زینت خود را جز برای شوهرشان آشکار نسازند مراد از زینت عبارت است از: خلخال، دستبند، گوشواره گردن بند و... آشکار نسازند مگر آنچه که در عرف زندگی مؤمنات، بطور معمولی آشکار می باشد. (الا ماظهر منها) که از آن جمله است لباس روئین.

ابوموسی اشعری می گوید: رسول خدا می فرمود: ایما امرئة استعطرت فمرت علی قوم لیجدوا ریحها فهی زائبة.^{۴۱}



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز باستان‌شناسی و تاریخ

هر زنی، به منظور جلب نظر نامحرمان، خود را معطر سازد و قدم از خانه بیرون نهد تا دیگران را جلب کند، او اهل فحشا محسوب می‌شود.

دقت در احادیث فوق، بیانگر این حقیقت است که حضور مخرب، ممنوع است نه حضور سازنده و هدفمند.

در روزگاری که پدر، از داشتن دختر ناخشنود می‌نمود (اذا بشر احدهم ضل وجهه مسوداً و هو کظیم)، رسول خدا (ص) می‌فرمود:

البنات حسنات.^{۴۲} دختران در خانه پدران، حسنه الهی‌اند و در جامعه‌ای که برای زنان چندان ارج و بهائی قائل نبودند پیامبر اکرم (ص) می‌فرمود: زن، بوی خوش و نماز، در مکتب من محبوب‌اند.^{۴۳} پیامبر اکرم (ص) در سفرها حتی برخی از جنگها بعضی از زنان را که توانایی کاری در راستای خدمت به پیشرفت عملیات جهاد داشته‌اند، به همراه خویش داشته است مگر در جنگ اُحُد، نُسَیبه در برابر دیدگان پیامبر (ص) شمشیر به دست نگرفت و مقاتله نکرد مگر آن حضرت در حق او نفرمود: لمقام نسِیبه بنت کعب افضل من مقام فلان و فلان.^{۴۴} خواهند گفت او در واحد سقائی و نیز در واحد امداد رسانی پزشکی همکاری می‌کرد و در یک وضعیت اضطراری شمشیر بدست گرفته بود. می‌گوییم: حضور سازنده‌ای در جبهه داشت یا خیر؟ حضور زنان اهل بیت در قیام تاریخ‌ساز کربلا را چه توجیهی می‌فرمایید بنابراین از کنار محکمت گذشتن و از مفاد آنها نگفتن و به متشابهات دست یازیدن و برداشت‌های خود را بر آنها تحمیل کردن، عمل منصفانه‌ای نیست.

امام در پاسخ کسی که از نظامی‌گری زنان و به لباس پاسدار رسمی درآمدن زنان سؤال کرده بود، فرمود:

«پاسدار شدن خواهران هم با مراعات وظایف شرعیه مانع ندارد، ولی شما مراعات رضایت پدرتان را بکنید.»^{۴۵}

«زنان همانطور که قبلاً گفتم، می‌توانند در ارتش باشند. آنچه اسلام با آن مخالف است و آن را حرام می‌داند، فساد است، چه از طرف زن باشد و چه از طرف مرد فرقی نمی‌کند.»^{۴۶}

«اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل بشود، از آن جمله قضیه این که

ترتیب نظامی بودن، یاد گرفتن انواع نظامی بودن را برای آنهایی که ممکن است، این طور نیست که واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم، باید بدانیم چه جور دفاع می‌کنیم. البته در آن محیطی که شما تعلیم نظامی می‌بینید باید محیط... صحیح باشد، محیط اسلامی باشد، همه جهات عفاف محفوظ باشد، همه جهات اسلامی محفوظ.»^{۴۷}

۷- توجه به نقش زن در تکامل جامعه

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می‌نویسد: ... پس از فتح جنگ جمل، امام امیرالمؤمنین (ع) در حق عایشه، اکرام کرد با آن که او در حق وی چه‌ها کرده بود ولی امام (ع) پس از ظفر بر او، او را راهی مدینه کرد و البته تحت الحفظ بیست تن از زنان قبیله عبد القیس. امام دستور داده بود تا زنان عمامه مردان بر سر نهند (لباس رزم آن روز پوشید) و شمشیرها حمایل کنند او در بین راه، از امیرالمؤمنین گلایه کرد که وی را همراه نامحرمان به سوی مدینه گسیل داشت. آنان وقتی به مدینه رسیدند لباس مردانه رزم را از تن خود بیرون آوردند^{۴۸} و به او گفتند ما زن هستیم از این عمل، بدست می‌آید که زنان در صورت لزوم می‌توانند نظامی باشند.

* * *

در موارد مختلف، در این نوشتار اشاره شد که زن نقش برجسته و تعیین کننده‌ای در ساختار جوامع بشری در عرصه تربیت آدمی دارد که در مواردی او منحصر به فرد است. سردمداران رهبری جامعه گاهی آن نقش‌ها را نادیده می‌گیرند. و گاهی بیشت از حد لازم و بایسته بدان می‌پردازند که موجب بروز برخی از ضایعات می‌شود. امام خمینی با الهام از منطق حیات بخش اسلام بگونه‌ای بایسته نقش زن را مورد توجه حکیمانۀ خویش قرار داد. زن در مکتب تربیتی امام خمینی جداً مورد توجه قرار گرفته است.

امام همواره به عناوین مختلف خاطر نشان می‌فرمودند که:

اگر از دامن مادر این تربیت خوب شروع شد و مادر بچه را خوب تربیت کرد و به دبستان تحویل داد، دبستان هم خوب تربیت کرد و به دبیرستان تحویل داد آنجا هم همین‌طور، با دانشگاه یا مدارس علمی دیگر، آنها هم خوب تربیت کردند یک وقت در یک برهه از زمان می‌بینید که

جوان‌ها همه خوب از کار درمی‌آیند؛ و یک مملکت را به خوبی می‌کشند.^{۴۹}

«نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه‌کس بالاتر است و این امری است که انبیاء می‌خواستند می‌خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند.»^{۵۰}

بخش دوم: حجاب

حجاب از مقوله‌هایی است که با فطرت انسان آشناست و اختصاص به زن ندارد و فقط در باب محدوده و کیفیت آن است که در این باره زن از مرد متمایز می‌باشد. البته درباره حجاب زن در دیدگاه اسلام آنچه نظر اسلام را تأمین می‌کند پوشش معقول مورد نظر قرآن است که ممکن است با توجه به آداب و رسوم هر ملتی کیفیت و شکل مخصوص به خود را دارا باشد. نکته قابل ذکر در باب حجاب اسلامی آن است که فلسفه حجاب و نیز محدوده حجاب بگونه‌ای لازم برای جامعه تبیین نگشت و گرنه کدام زن شرافتمندانه و اصالت‌طلبی است که بدان روی خوش نشان ندهد. اگر این کار صورت پذیرد جامعه زنان از هر نژاد و فرهنگ و کتبی بدان روی خواهند آورد.

امام صادق(ع) در ذیل آیه: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم» فرمود: منظور از آیات حجاب (در قرآن) بویژه آنجا که کلمه «فروج» بکار رفته است نهی از فحشا (زنا) است، جز آیه فوق که در صدد بیان تحریم نگاه کردن به آلت تناسلی است که حتی خواهر نمی‌تواند (نباید) به خواهر خود نگاه کند و برادر نیز نمی‌تواند به برادر خود بنگرد.

امام باقر(ع) در ذیل آیه: «ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» فرمود منظور از آنچه که بطور متعارف آشکار است، عبارت است از: پیراهن، سرمه چشم، انگشتر دست، رنگ حنای کف دست و همچنین دست‌بند. امام(ع) در ادامه این کلام فرمود: زینت زن، برای سه گروه است [و بر این



□ «زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد... در تمام جهانی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد»

□ وقتی عنوان حقوق زن در سطح بین الملل مطرح شد یکی از ابزارهای دست استکبار جهانی از آب در آمد و وسیله‌ای برای بهره‌کشی نوین از زن گردید

اساس می‌توان گفت زینت، بر سه گونه است [که عبارتند از: ۱- زینت، برای مردم، ۲- زینت برای محارم و فامیل، ۳- زینت برای همسر (شوهر)]. زینت نوع اول همان‌هایی هستند که در بالا ذکر شد و زینت نوع دوم عبارت است از: گردنبند، دست‌بند، خلخال، و... و زینت نوع سوم عبارت است از: سراسر بدن [در این حدیث آمده است] رعایت حجاب در برابر مردان پیر از کار افتاده و کودکان غیرممیز ضرورتی ندارد. البته دستور رعایت حجاب اکمل هنگامی صادر شده است که زنان، به نماز جماعت پیامبر اکرم (ص) از جمله نماز مغرب و عشا شرکت می‌جستند. برخی از جوانان، سر راه آنان می‌نشستند و گاهی مزاحمت ایجاد می‌نمودند. در پی این مسأله، آیه: «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن...» نازل شد یکی از مصادیق جلابیب، همان پارچه‌ای است که زنان روی لباس‌های خود قرار می‌دهند که به نظر ما یکی از معادل فارسی آن «چادر» است.^{۵۱}

تردید نیست، لباسی که سراسر بدن را فراگیرد و از این راه حجاب اکمل صورت پذیرد، مطلوب و مورد نظر شارع مقدس اسلام است ولی با کمتر از آن نیز می‌توان مقصود شارع را برآورده ساخت بر این اساس، چرا زنان اسلامی، پارچه‌ای را بر سر می‌نهند و بدان لقب [در فارسی

چادر] خاص می دهند؟ در پاسخ به چنین دیدگاهی باید گفت آنچه مورد نظر اصلی اسلام است، پیشگیری از ایجاد انگیزش حیوانی (شهوانی) در جامعه است بر این اساس، اگر لباس معمولی هم این خصیصه را دارا باشد، محبوب اسلام است. کلمه جلباب که جمع آن جلایب است و در قرآن نیز در باب حجاب زنان به چشم می خورد، در همین راستا است. ابن اثیر در النهایة جلباب را «آزار» می داند و ابن منظور در لسان العرب تصریح می کند که «آزار» پارچه‌ای است که سراسر بدن را می پوشاند.^{۵۲}

در پرسشی از امام آمده است: برخی از رسوم اسلامی مانند حجاب اجباری، رها شده است، آیا در جمهوری اسلامی از نو اجبار خواهد شد؟

امام پاسخ دادند:

«حجاب به معنای متداول میان ما که اسمش حجاب اسلامی است با آزادی مخالفتی ندارد؛ اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد. و ما آنان را دعوت می کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند. و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند.»^{۵۳}

امام می فرمود:

«در اسلام زن باید حجاب داشته باشد ولی لازم نیست که چادر باشد بلکه زن می تواند هر لباسی را که حجابش را بوجود آورد اختیار کند.»^{۵۴} «در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند؛ زن‌ها بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند؛ اما کار نکنند لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند.»^{۵۵} اورینا فالاجی (خبرنگار معروف فرانسوی) طی مصاحبه‌ای از حضرت امام پرسید: این چادر، آیا صحیح است که این زن‌ها خود را در زیر چادر مخفی کنند؟ این زن‌ها در انقلاب شرکت کردند، کشته دادند، زندان رفتند، مبارزه کردند. این چادر هم یک رسم از قدیم مانده است، حالا دیگر دنیا هم عوض شده، حالا این صحیح است که مثلاً اینها خودشان را مخفی کنند؟

امام جواب دادند:

«اولاً اینکه این یک اختیاری است برای آنها، خودشان اختیار کردند. شما چه حقی دارید که اختیار را از دستشان بگیرید؟ ما اعلام می کنیم به زن‌ها که هر کس چادر می خواهد یا هر کس

پوشش اسلامی، بیاید بیرون، از سی و پنج میلیون جمعیت ما سی و سه میلیونش بیرون می‌آید. شما چه حقی دارید که جلو اینها را بگیرید؟ این چه دیکتاتوری است که شما نسبت به زن‌ها دارید؟ و ثانیاً اینکه ما یک پوشش خاصی را نمی‌گوییم، برای حدود زن‌هایی که به سن و سال شما^{۵۶} رسیده‌اند هیچ چیزی نیست، ما زن‌های جوانی که وقتی ایشان آرایش می‌کنند و می‌آیند یک فوج را دنبال خودشان می‌کشند، اینها را داریم جلوشان را می‌گیریم، شما هم دلتان نسوزد.»^{۵۷}

امام خمینی در جای دیگری می‌فرماید:

«البته باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شماست. هر چه را که خدا دستور فرموده است - چه برای زن و چه برای مرد - برای این است که آن ارزش‌های واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطهٔ وسوسه‌های شیطنی یا دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند اینها، این ارزش‌ها زنده بشود.»^{۵۸}

بخش سوم: آزادی زن

در سال فتح مکه، حارث بن هشام به ام‌هانی بنت ابوطالب پناهنده شد و او، وی را امان داد امیرالمؤمنین (ع) به خانه وی داخل شده خواست هشام را به قتل برساند. ام‌هانی شمشیر او را گرفت و رها نمی‌کرد پیامبر (ص) وارد شد و خندید و چون ام‌هانی را غضبناک دید فرمود: لا



تغضبی علیاً فان الله یغضب لغضبه و سپس فرمود به هر کس که تو امان بدهی ما را قبول است و سپس خندید فرمود: اگر ابوطالب یک جهان فرزند داشت همه در شجاعت، بی نظیر بودند.

ابن اثیر در النهایة ذیل ماده لمم درباره استیضاح ابوبکر توسط فاطمه زهرا(س) می نویسد:
و خرجت فی لمة من نسائها یتوطیء زیلها علی ابی بکر فعاتبتہ. با هیئتی از زنان بنی هاشم در حجاب اکمل به مجلس ابوبکر وارد شد و او را استیضاح کرد.

از این چند گزارش که در منابع معتبر اهل سنت هم به چشم می خورد و مورد قبول ما نیز می باشد، به دست می آید:

الف: زنان شایسته در مهمترین کارهای سیاسی اجتماعی کشور حق رأی دارند.

ب: پیامبر(ص) به دیدگاه زنان توجه می نمود و اگر آنان به کسی امان می دادند مورد قبول

پیامبر(ص) بود.

* * *

آزادی از مقوله های روح بخشی است که فطرت آدمی با آن آشنایی داشته و خواهان آن است. این گوهر گرانبها مورد توجه ویژه اسلام است. واژه آزادی در روزگار ما به ویژه در جامعه شناسی بیشتر در برابر واژه بردگی قرار دارد و الغاء بردگی در جهان ما بیشتر به اشتها عنوان آزادی، دامن زده است گرچه تنها دین اسلام است که آزادی به معنای ضد بردگی را به گونه ای شایسته مورد توجه قرار داده و آن را پاس داشته است لکن مبلغان آزادی بگونه ای حرفه ای وارد عمل شده اند تا آزادی را از دستاوردهای حرکت خود معرفی کنند و همچنین از آزادی در راستای تأمین آمال و اغراض خود بهره برداری کنند. البته منطلق اسلام درباره آزادی به گونه ای همه فهم و فراگیر اگر برای جوامع بشری تبیین گردد کسی نیست که اعتراف نکند که منادی واقعی آزادی، فقط اسلام است. اسلام بیش از دیگران حدود و ثغور راستین آن را خاطر نشان ساخته است تا در جهت تأمین سعادت بشر مورد استفاده قرار گیرد، نه در جهت تخریب آن و آنچه دیگران از آن دم می زنند جز تخریب، پیامدی ندارد. بر این اساس، امام خاطر نشان می کرد:

«روحانیت با ترقی مخالف نیست؛ با ترقی محمدرضایی مخالف است. با این تمدن، «دروازه



□ «اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد»

□ «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است برای اینکه زنان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند»

تمدن «مخالف است. این «دروازه تمدنی» که همه چیز ما را به باد داد... آزادی سر جای خودش، اما بی‌بند و باری؟ آزادی یعنی هر که دلش می‌خواهد هر کاری بکند!»^{۶۰}

امام همواره به گونه‌ای اکید این چنین رهنمود می‌دادند که:

«آن مقدار از آزادی که برای مملکت ما در این زمان‌ها بود، این آزادی‌های تباهی‌آور بود. آزادند که شرب خمر کنند! آزادند قمار کنند! آزادند لب دریا زن و مرد با هم بریزند به جان هم! آزادند در این مراکز فساد بروند. اینها آزادند... من از آن تعبیر می‌کنم به «آزادی وارداتی»، «آزادی استعماری»، اینها نقشه بوده است»^{۶۱}

یا می‌فرماید:

«در زمان این رژیم که فریاد می‌کردند که «آزاد زنان و آزادمردان» چه فعالیتی زن‌ها داشتند؟ فعالیتی که ما از زن‌ها می‌دیدیم این بود که چندتایشان جمع بشوند، با آن وضع فضح، بروند سر قبر رضاخان، آنجا تشکر کنند از اینکه ما را آزاد کردید، چه جور آزاد کرد؟ چه کرد؟ فکر این نیستند که چه آزادی اینها به آنها اعطا کردند، و تا چه اندازه اینها می‌خواستند زن‌ها یا مردها آزاد باشند. بله، آنها یک آزادی را می‌خواستند - حالا هم این اشخاصی که قلم دستشان است و بر ضداسلام و بر ضدروحانیت چیز می‌نویسند همین آزادی را می‌خواهند - و آن آزادی است که دیکته شده است از غرب برای به فساد کشیدن جوان‌های ما»^{۶۲}

امام در رهنمودهای خود به این نکته عطف نظر داشتند که:

«ما دو قسم آزادی داریم که یک قسم مفیدش در غیر زمان این دو جنایتکار بود، و در زمان اینها این قسم از آزادی بکلی ممنوع بود. و آن آزادی آنها می‌خواستند که زن‌ها آزاد باشند که هر

جوری بزک بکنند و بیایند توی خیابان‌ها و با جوان‌ها خدای نخواستہ چه بکنند! آن را آزادی قرار داده بودند. و حالا هم الان آنهایی که می‌خواهند اسلام نباشد، دلشان برای این آزادی می‌سوزد.»^{۶۳}

آزادی طاغوتی

یکی از عناوینی که بیش از سایر عناوین مورد بهره‌برداری استکبار جهانی و اذتاب او در عرصه‌های دیگری باشد واژه آزادی است. استکبار جهان و اشخاص در خدمت آن همواره دین را دشمن آزادی معرفی می‌کنند تا خود بهتر جامعه را تحت یوغ خود در آورند و در این باره همیشه آزادی مخرب و زندگی برانداز را ترویج می‌نمایند و در گذشته نیز هم چون امروز عمل می‌شد امام امت خاطر نشان می‌کرد:

«آنها آزادی را در یک جبهه نگه داشته بودند، و فریاد هم می‌زدند: «آزادزان و آزادمردان!» همین‌ها مقصودشان بود که اینها آزادند هر کاری می‌خواهند بکنند؛ به هر مرکز فحشایی می‌خواهند بروند. اختناق در یک جبهه دیگر بود؛ برای قلم‌هایی که اگر می‌خواست کسی یک کلمه راجع به مصالح مملکت بنویسد، راجع به مصالح اسلام بنویسد، اینها آزاد نبود و اختناق بود.»^{۶۴}

همچنین می‌فرمایند:

«تمام مراکز فحشا را اینها درش را باز کردند و با بوق و کرنا، ترویج کردند و کمک کردند که این جوانهای ما بروند در این مراکز فحشا و فلج بشوند. همانجا دفن بشود جوانی‌شان. جوانی این جوان‌های ما را از آنها گرفتند. فلجشان کردند. این خواهرهای محترمی که در دام اینها افتادند و در دام ترویج‌های آنها افتادند و در دام تبلیغات آنها افتادند، از آن وظیفه انسانی‌شان سلب شدند. و ملعبه دست جنایتکاران شدند... یک تأسف همیشگی هست که این محترمان را اینها چه کردند به اسم آزادی.»^{۶۵}

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

زن در دیدگاه اسلام با مرد از حیث حقیقت انسانی و سیر تکاملی تفاوتی ندارد، بر این اساس

در عرصه‌های اساسی هر دو، دوش به دوش هم پیش می‌روند از جمله:

- ۱- در عرصه کمال و سیر تکاملی علمی
- ۲- در عرصه جزا و دستیابی به پاداش الهی

۳- در عرصه جنت و دست‌یابی به مقامات اخروی

۴- در عرصه تقرب و دستیابی به مقامات معنوی

تردیدی نیست که در عرصه‌های فوق‌زن و مرد در نگرش اسلامی مساوی‌اند و تنها در برخی از عرصه‌های فرعی زندگی است که هر کدام با توجه به جایگاه آنان در نظام احسن زندگی اقتصادی و غیره از حیث احکام اسلامی تفاوت‌هایی بر اساس عدالت الهی دارند که با فلسفه آفرینش هر کدام هماهنگی کامل دارد. بنابراین:

الف) زن، انسانی است والا که به عنوان یک مادر، مربی انسان‌ها و پرورش‌دهنده افراد بشری است.

ب) زن در خانواده به عنوان یک همسر، انسانی است آسمانی که زمین را در حاله‌ای از مهر و عطوفت خویش قابلیت ویژه‌ای در جهت بهتر زیستن می‌بخشد و خانواده را در جهت تعالی و تکامل سوق می‌دهد.

ج) زن، در جامعه به عنوان یک شهروند، نیمی از پیکر جامعه است و بدون حضور او تکامل مورد نظر آفرینش، تحقق نخواهد یافت.

د) زن در برابر خدا، عبدی است خاشع، خاضع و تجسم بندگی راستین است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بی نوشتها:

۱. ر.ک: فخر رازی، تفسیر بکیر، ج ۳۲، ص ۱۵۳، ...فالتجاء الی فاطمه(س) فلم ینفعه.
۲. ر.ک: نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۷۵، چاپ دارالکتب العلمیه.
۳. ر.ک: بحرانی، عوالم، بخش فاطمه زهرا(س).
۴. همان، ص ۶.
۵. صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۴۰.
۶. همان، ج ۱۲، ص ۲۷۴.
۷. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۹۲.
۸. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴.
۹. بحارالانوار، ج ۱۸؛ ص ۳۸۲ «تاریخ النبی، باب اثبات المعراج»؛ حدیث ۸۵.
۱۰. الاربعین، علامه مجلسی، ص ۱۷۷؛ شرح حدیث ۱۵.
۱۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۲۷.
۱۲. همان، ج ۶، ص ۳۰۰.
۱۳. همان، همان.
۱۴. همان، ج ۷، ص ۳۳۹.
۱۵. همان، ج ۹، ص ۱۳۶.
۱۶. همان، ج ۷، ص ۳۴۱.
۱۷. همان، ج ۶، ص ۳۰۰.
۱۸. همان، همان.
۱۹. همان، همان.
۲۰. همان، ص ۳۰۰ - ۳۰۱.
۲۱. همان، ص ۲۹۹ - ۳۰۰.
۲۲. ر.ک: علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹.
۲۳. ر.ک: جان استوارت میل، کنیزک کردن زنان، ترجمه خسرو بیگی، چاپ اول، سال ۷۷.
۲۴. مارتین سگالن، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۳۳۵.
۲۵. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۰۷.
۲۶. همان.
۲۷. همان، ج ۵، ص ۲۱۶ - ۲۱۷.
۲۸. همان، ج ۵، ص ۱۸۹.
۲۹. همان، ج ۶، ص ۳۰۱.



٣٠. همان، ج ٦، ص ٤٣٧.
٣١. همان، ص ٤٦٢.
٣٢. همان، ص ٣٠٢ - ٣٠١.
٣٣. همان، ص ٣٠١.
٣٤. همان، ج ٤، ص ٣٦٤.
٣٥. همان، ج ١٤، ص ٣٥٥.
٣٦. همان، ج ١٧، ص ١١٣.
٣٧. همان، ج ١٨، ص ٤٠٣ - ٤٠٤.
٣٨. حاكم، مستدرک، ج ٢، ص ٣٢٧ و ٤٣١ و ٤٣٠ - بيروت - دارالكتب العلمية.
٣٩. ...ان النساء كن يخرجن الى المسجد و يصلين خلف رسول الله (بحارالانوار، ج ١٠١، ص ٣٣)
٤٠. حاكم، مستدرک، ج ٢، ص ٣٢٧ و ٤٣١ و ٤٣٠ - بيروت - دارالكتب العلمية.
٤١. همان.
٤٢. صدوق، ثواب الاعمال، ص ٤٤٨، رضی اللہین طبرسی، مكارم الاخلاق، ص ٢٥١.
٤٣. انس می گوید رسول خدا(ص) فرمود: حَبَّبَ الى النساء و الطيب و جعلت قرة عینی الصلوة حاکم، مستدرک، ج ٢، ص ١٧٥.
٤٤. رک: المغازی، ج ١، ص ٢٦٩، مکتب الاعلام الاسلامی.
٤٥. رک: استفتائات، ج ١، ص ٥٠٣.
٤٦. صحیفه امام، ج ٥، ص ٢٩٣.
٤٧. همان، ج ٢٠، ص ٧.
٤٨. رک: ابن ابی الحدید، ج ١، ص ٢٣، شرح نهج البلاغه... فلما وصلت المدينة القى النساء عمانهم و فلن لها - انما نحن نسوة.
٤٩. رک: صحیفه امام، ج ٩، ص ١٣٧.
٥٠. همان، ج ١٤، ص ١٩٧.
٥١. «قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم» فلانه حدثني أبي عن محمد بن أبي عمير، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كل آية في ذكر الفروج فهو من الزنا الا هذه الآية، فانها من النظر فلا يحل لرجل مؤمن أن ينظر الى فرج أخته و لا يحل للمرأة أن ينظر الى فرج أخيها.
- عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «ولا يبدن زينتهن الا ما ظهر منها» فهي الثياب والكحل والخاتم و خضاب الكفّ و السّوار، و الزينة ثلاث: زينة للناس و زينة للمحرم و زينة للزوج، فأما زينة الناس فقد ذكرنا و أما زينة المحرم القلادة فميا فوقها و الذّملج و مادونه و الخلخال و ما أسفل و أما زينة الزوج فالجسد كلّهُ «أو الطفل الذين لم يظهروا على عورات النساء» «ولا يضرين بأرجلهن ليعلم ما يخفين من زينتهن» يقول: ولا تضرب احدى رجليها بالاخرى لتقرع الخلخال بالخلخال. (د - رک: بحارالانوار، ج ١٠١، ص ٣٣)
- ان النساء كن يخرجن الى المسجد و يصلين خلف رسول الله صلى الله عليه و آله فاذا كان بالليل و خرجن الى صلاة المغرب و العشاء و الغداة يقعد الشاب لهن في طريقهن فيؤذونهن و يتعرضون لهن فأنزل الله: «يا أيها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلك أدنی أن يعرفن فلا يؤذین و كان الله غفوراً رحیماً».
- سمعت الصادق عليه السلام عمّا تظهر المرأة من زينتها فقال: الوجه والكفين. (د - رک: بحارالانوار، ج ١٠، ص ٣٣)

۵۲. النهاية، ج ۱، ص ۲۸۲ و لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۳.

ابن اثیر در النهاية ذیل ماده جلب می‌نویسد:

...والجلباب الازار، ولرداء و قیل الملحفة و قیل هو كالمقنعة تغطي...

ابن منظور در لسان العرب در باب جلباب، می‌نویسد: الجلباب، الازار لم یرد به ازار الحقو و لكنه اراد ازاراً یشتمل به فیجلبل جمیع الجسد.

۵۳. صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۴۱.

۵۴. همان، همان، ص ۲۹۴.

۵۵. همان، ج ۶، ص ۳۲۹.

۵۶. در احادیث آمده است که: زنان فرتوت و کهنسال مو سفید، اگر موی سرشان، پیدا شود مورد مؤاخذه نخواهند بود.

۵۷. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۰۳ - ۱۰۴.

۵۸. همان، ج ۱۹، ص ۱۸۵.

۵۹. رک: زمخشری، ربیع‌الابرار، ج ۱، ص ۸۶۹ چاپ منشورات الشریف الرضی.

۶۰. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۷.

۶۱. همان، همان، ص ۳۸.

۶۲. همان، همان، ص ۱۸۴.

۶۳. همان، همان، ص ۱۸۸.

۶۴. همان، همان، ص ۳۵۸.

۶۵. همان، ج ۱۱، ص ۲۴۸ - ۲۴۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی